اقتراح «فتح دهلی»

دست خود قیچی کرد،سپس فرمانی صادر نمود و بدرباریان خود امر داد که مرد و زن در تابستان بطرز آلمانها و در زمستان مانند مجارها لباس‏ بپوشند.روسها تاریخ را از خلقت آدم(5508 سال قبل از میلاد مسیح) حساب میکردند،پطر دستور داد تاریخ میلادی را معمول دارند.تعظیم‏ کردن باو و برداشتن کلاه هنگام عبور از جلو قصر سلطنتی را که برای‏ رعایت احترام تزار تا آن زمان رسم بود منع نمود...اما این تغییرات‏ مطابق سلیقه مردم نبود،حتی اهل خانواده او با او مخالف بودند:زنش‏ برسوم و آداب قدیم عمل میکرد و پسرش از فراگرفتن السنه خارجی‏ امتناع داشت روحانیون از دیگران زیادتر مخالفت داشتند،از جمله‏ باو اعتراض میکردند و میگفتند که یک مرد بدون ریش بگربه و میمون‏ شبیه تراست تا بانسان...

اما البته اصلاحات پطر کبیر منحصر بهمین چیزها نبود و اقتراح‏ ما نیز مطالب زیادتری را در بر دارد.

جون این موضوع بسیار مهم و اوراق مجله برای درج کلیه‏ مقالات نارساست اقتراح آنرا آزاد میگذاریم تا در تمام جرائد و مجلات‏ بحث شود.

دکتر افشار

\*\*\*

اقتراح«فتح دهلی»

اقتراح ادبی«فتح دهلی»را چون بمسابقه گذاشته‏ایم بعضی از شعرای معروف معاصر از شرکت در آن استنکاف دارند.شاید سبب این‏ امتناع بیم بهتر ساختن دیگری نباشد،بلکه ترس از آن باشد که مصدقین در تشخیص و ترجیح اعمال غرض کنند.اگر چه درباره مصدقینی که در نظر گرفته شده چنین تصوری نمیرود معهذا برای اینکه رفع توهم شده‏ باشد عنوان مسابقه را از روی این اقتراح برداشه و سنجش قصائد را بذوق سلیم خوانندگان وامیگذاریم.

برخی دیگر عنوان کرده‏اند که نادر پاشاه ظالمی بوده و در مدح او نمیتوان سخنی گفتبا تصدیق باینکه فاتح دهلی سالهای اخیر سلطنت خود دست ظلم و تعدی دراز کرد،و با یادآوری اینکه ما مدح نادر را پیشنهاد نکرده بلکه فتح دهلی را اقتراح نمودیم و گوینده میتواند از چگونگی‏ جنگ و رشادت لشگریان ایران سخن براند،ناکزیر از بیان یک نکته دیگر هستیم:شاید بسیاری از سلاطین و سرداران نامدار ما در پهلوی خدماتی‏ که در حفظ ملت و آبادی مملکت نموده صدماتی نیز برعایا رسانیده‏اند و این البته مقتضی عصر استبداد بود که متاسفانه سرتاسر ادوار تاریخ ما را فراگرفته است.ولی،افتخاراتی را که این سلاطین از فتوحات خارجی کسب نموده یا آبادیهائی که در داخله نموده‏اند از آن‏ ماست و جای دارد که بدانها مباهات کرده و از آنها برخوردار شویم- در صورتی که مظالم و بدرفتاریهای آنها بنام خودشان در جای خود باقی‏ خواهد بود....بالجمله ما نباید امروز ببهانه اینکه نادر شاه آخر عمر دیوانه‏ شده سفاکی کرد فتح دهلی را از دایره افتخارات ملی خود بیرون نموده یا بداشتن«تخت طاووس»و الماس«دریای نور»یادگارهای آن فتح بزرگ در دربار و خزینه سلطنتی خود مباهات نکنیم....

چون مدت اقتراح منقضی و آخرین شماره سال دوم که قصائد فتح دهلی در آن درج میشود تحت طبع است منتظریم که هرچه زودتر شرکت‏کنندگان اشعار خود را بفرستند.

د.ا.

دو نارنج

دو نارنجم آورده بودند روزی‏ یک از بوستان و یک از دلستانم: یکی را بصد گونه اندوه و محنت‏ بپرورده در بوستان باغبانم، یکی را بصد ناز و با نازنینی‏ فرستاده آن دلبر مهربانم. ببوئیدم هر دو را شکر گفتم‏ یکی با دل خود،یکی با زبانم. نهادم یکی را ببالای میزی، یکی را گرفتم ببر همچو جانم. پراکند عطری و شوری و شوقی‏ یکی در مشامم،یکی در روانم. یکی رانه بویم نه در دست گیرم‏ دمی نیز نبود نگاهی برآنم، یکی را ز شوقی که دارم ببویش‏ از این دست با دست دیگر ستانم.... میان دو نارنج همرنگ و همبو چه فرقست آخر؟ندانم،ندانم! که یک را فزونست هم‏رنگ و هم‏بو به پیش مشامم،بر دیدگانم. بپرسیدم احوال هریک از آن دو که گویند از خویشتن داستانم. بپاسخ چنین گفت نارنج اول‏ که من نازپروردهء بوستانم، دگر گفت:من نیز آریم ز بستان‏ و گر بیشتر زین بجوئی نشانم، مرا چیده ز آنجای دستی که دانی‏ فرستادهء دست آن دلستانم.

دکتر افشار

رباعیات

چون حادثه سخت کند روی بمرد گر چاره توان چاره همی باید کرد ور چاره نداشت غم نمیباید خورد غم جان و تنت کاهد و افزاید درد

انروز جهان روی ببهبود کند مردم مددکاری خود سود کند کز کوشش و کار هرکس آرد بوجود زان بیش که بهر خویش نابود کند